

# نقش اطلاع رسانی و رسانه‌های همگانی در ارتقای امنیت ملی

● دکتر مهدی مینایی\*

## چکیده

پیشرفت علم و تغییر ماهیت اطلاعات تا آنجا رسیده است که حتی دقایقی پس از یک رویداد در نقطه‌ای از جهان، تنها به یاری اینترنت می‌توان از همه جزئیات اخبار مربوط به آن آگاه شد. اهمیت رسانه‌ها و تأثیر بسزایی که انواع آنها، بویژه روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری - ماهواره‌ای و اینترنتی - بر سیاستگذاری دولت‌ها دارند، موجب شده که بعنوان یک چالش جدید در حوزه حاکمیتی خود از این پدیده، یعنی «انفجار اطلاعات» یاد کنند.

زیرا این سهولت فوق العاده در امر اطلاع رسانی، دولت‌ها را همواره با فشار افکار عمومی و حساسیتهای آنها نسبت به مسائل مختلف روبرو ساخته است. از طرفی جریان بین‌المللی اطلاعات، اخبار و فرهنگ به صورت جریانی نامتوازن و نابرابر در قالب، رسانه‌های متعدد خود یک تهدید بالقوه برای امنیت کشورها و بویژه دولت‌ها و جوامع جهان سوم می‌باشد.

لذا برای این قبیل کشورها (کشورهای در حال توسعه) علیرغم کمبودها و کاستیهای مختلف، در صورتی که یک «نظام اطلاع رسانی» بومی و داخلی، که متکی و مقید به «بازشناسی» و «بازآفرینی» ارزشها و باورهای دینی، اخلاقی و انقلابی باشد، ایجاد کنند، آنگاه می‌توانند جامعه خود را در غلبه بر این بحراناها و نیل به سطوح عالی از «امنیت ملی» یاری نمایند.

## مقدمه:

در عصر حاضر که «عصر سلطه ارتباطات» نامیده می‌شود، بی‌گمان در مورد همه مسائل جهان، بزرگترین رسالت اطلاع‌رسانی بر دوش رسانه‌های جمعی است.

افزایش روز افزون شبکه‌های خبری ماهواره‌ای، روزنامه‌ها و کمیسیون‌های خبری از نقش مهم رسانه‌های جمعی در «اطلاع‌رسانی» حکایت دارد.

موقعیت رسانه‌ها و اطمینان مخاطبان به آنها چنان است که گاه، خبرهای تحریف شده و مطالب بسیار مهم و بزرگ؛ اتفاقی، عادی و روزمره جلوه می‌کند. چنانکه، رسانه‌های آمریکایی انتشار گسترده اخبار داخلی دولت خود را امری عادی و حتی آگاهی از آن را برای جهانیان، ضروری می‌شمارند.

جای شگفتی است که این اختلافها، اتهامها، تحریمها و هزاران مورد از دخالت‌های دولت آمریکا در سیاستگذاری کشورها، از دید رسانه‌های خبری «مشارکت برای تأمین امنیت جهان» قلمداد می‌شود.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر همیاری، کمک‌رسانی و ابراز همدردی دولت‌های ضد آمریکایی را دلیلی بر پشتیبانی از تروریسم می‌دانند. وجود چنین تضادهایی در «رفتارها رسانه‌ها»، حتی در کشورهایی که با یکدیگر خط‌مشی مشترک دارند، به پیدایش برخی اختلافها می‌انجامد.

در چنین شرایطی شبکه‌های خبری با صرف هزینه‌های گزاف و پذیرفتن خسارتها و تلفات همچنان به وظیفه خطیر خود ادامه می‌دهند و تا جایی پیش می‌روند که برخی شبکه‌های خبری، مطالبی را حتی پیش از دسترسی دولت‌ها به آنها پخش می‌کنند و در مواقعی نیز، با همین جنگ‌های مطبوعاتی موجب بروز جنگ یا اختلاف میان دولت‌ها می‌شوند.

از اینرو نقش رسانه‌ها در مقوله اطلاع‌رسانی بسیار تعیین کننده است، بطوریکه در بالا رفتن فرهنگ و قدرت مفاهمه جامعه و حتی میان جوامع مختلف، بیشترین نقش را ایفا می‌نماید.

## نقش رسانه‌های همگانی در فرآیند اطلاع‌رسانی

در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی اختراعاتی شکل گرفت که شیوه‌های مختلف ارتباط (شیوه





بیان، گفتاری، ایمائی، نوشتاری، چاپی) میان انسانها را تسهیل نمود، این اختراعات افراد را در مکان جابجا نمی‌کنند؛ مانند: رادیو، تلفن، نامه، روزنامه، سینما، تلویزیون و تلگراف و براساس نوع ارتباط به یک طرفه یا دو طرفه دسته‌بندی شده، رسانه‌هایی که در عملیات استراتژیک یا ملی استفاده می‌شود، بطور کلی بر دو نوع هستند؛ رسانه‌های کند و رسانه‌های تند.

در این میان رسانه‌های همگانی، از جمله رسانه‌های تند هستند که از عوامل اساسی شکل دادن به افکار عمومی می‌باشند که هر یک دارای امکانات و محدودیتهایی بوده که مورد بحث قرار می‌گیرند.

### رادیو و تلویزیون:

مهمترین وسیله ارتباط جمعی و تبلیغات که می‌تواند در بین اقشار جامعه نفوذ کند، رادیو و تلویزیون است. با در نظر گرفتن درصدی از جمعیت جهان که بیسوادند و همچنین کودکان جهان، که فقط از رادیو و تلویزیون می‌توانند استفاده کنند، به اهمیت این وسایل ارتباط جمعی بیشتر پی می‌بریم. در این میان نقش رادیو، به دلیل امکانات فنی کمتری که نیاز دارد، نسبت به تلویزیون، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

هم اکنون در تمام جهان، رادیو و تلویزیون تحت نظر مستقیم و غیرمستقیم حکومتها اداره می‌شود؛ البته در نقاطی از جهان نیز گروه‌های سیاسی وجود دارند که بطور مستقل دارای ایستگاه رادیویی هستند؛ مانند حزب‌الله لبنان همچنین در سراسر نقاط جهان رادیوهای مخفی بسیاری وجود دارند، که تحت کنترل مخالفین رژیمهای سیاسی حاکم بوده و علیه آن رژیمها برنامه پخش می‌کنند. بنابراین امروزه هزاران فرستنده رادیویی و تلویزیونی در سراسر جهان وجود دارد که نه تنها در سطح داخلی از کشور خود را پوشش می‌دهند؛ بلکه به دهها زبان برای کشورهای دیگر برنامه پخش می‌کنند. در این راستا کشورهای آمریکا، روسیه و انگلستان در پخش برنامه‌های بین‌المللی رادیویی سر آمد سایر قدرتها هستند؛ به عبارتی برنامه‌های برون مرزی این کشورها طبق آخرین خطوط سیاسی که وزارت امور خارجه و سازمانهای اطلاعاتی این کشورها تنظیم می‌کنند، روزانه به روی آنتن می‌روند.

این کشورها در دور افتاده‌ترین نقاط جهان به زبان محلی برنامه پخش می‌کنند، که



تجلی اهداف و مقاصد این قدرتهای خبری نسبت به آحاد و اقشار جوامع و کشورهای مختلف می‌باشد.

جالب است که در بین این قدرتهای خبر، تنها کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و انگلیس با داشتن ۱۰ درصد جمعیت جهان ۹۰ درصد امواج بین‌المللی رادیوها را در اختیار دارند.<sup>۲</sup>

در زمینه برنامه‌های تلویزیونی نیز شرایط به همین ترتیب است، بطوریکه درصد عظیمی از برنامه‌هایی که از رادیو و تلویزیونهای جهان پخش می‌شود، محصول یک تولیدی قدرتهای برتر جهانی هستند، در این مورد: ایالات متحده آمریکا با بیش از ۲۰۰۰۰۰ ساعت، مقام اول و انگلستان با بیش از ۳۰۰۰۰ ساعت برنامه‌های تلویزیونی مقام دوم را به خود اختصاص داده‌اند و فرانسه و ژاپن نیز در رده‌های دیگر قرار گرفته‌اند و این تولیدات تلویزیونی غرب که در سطح بسیار گسترده‌ای در کشورهای جهان سوم به نمایش در می‌آیند، عامل بسیار مهمی در ترویج و نشر عقاید و فرهنگ غرب در مناطق مختلف جهان بشمار می‌آید.

بدین ترتیب انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی به شکل فراگیر آن، به صورت گزینشی و با برداشتی متفاوت نسبت به واقعیتها به مخاطبان رسیده و اذهان عمومی را بدین شکل جهت می‌دهند و مبداء تبلیغات هدفمند را تشکیل داده و به تبع آن اهداف مورد نظر خود را در سراسر جهان، مورد حجه رسانه‌ای خود قرار می‌دهند. پس بی‌دلیل نبود که جیمی کارتر در دوران ریاست جمهوری خود عنوان می‌کند: «هر دلاری که برای تبلیغات خرج شود، از هر ده دلاری که برای تسلیحات اختصاص داده می‌شود، مؤثرتر است»<sup>۳</sup>

از گفته وی مشخص می‌شود که هزینه کردن در امر اطلاعات و اطلاع‌رسانی و تسلط خبری از چه میزان اهمیت و قدرت برخوردار است. بگونه‌ای که قدرت آن از تمامی تجهیزات نظامی پیشرفته کنونی بیشتر و کارآمدتر محسوب می‌شود.

### هژمونی رسانه‌ای:

از آنجا که علم و دانش مهمترین ابزار برتری جوامع بر یکدیگر است، بدیهی است کشورهای استعمارگر سابق و توسعه‌یافته امروز، به منظور حفظ منافع خود در دیگر



کشورها از علم و تکنولوژی به عنوان بهترین وسیله استفاده می‌کنند و امپریالیسم خبری، رسانه‌ها، کتب و مجلات را به عنوان ابزاری، به انحصار خود در آورده‌اند که صدها دانشمند طراز اول آمریکایی و اروپایی و گاه، جهان سومی (نخبگان مهاجر)، به شکل سازمان‌یافته‌ای مجهز به آخرین اطلاعات و آمار دربارهٔ اغلب کشورها، الویتهای استراتژیک آنها هستند و تقریباً در بیشتر حوزه‌ها و مسائل آنها، از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مشغول تفکر و مطالعه و ارائه راه و روشهای متعدد می‌باشند؛ و بدین طریق خطمشی شبکه‌های بزرگ خبری و اطلاع‌رسانی جهانی را تعیین و ترسیم می‌نمایند.

امروزه چهار خبرگزاری غربی به عنوان بزرگترین بنگاههای اطلاع‌رسانی و سخن‌پراکنی جهان نظیر: یونایتدپرس، اسوشیتدپرس، فرانس پرس و رویتر، روزانه نزدیک به چهل میلیون کلمه خبر به سراسر دنیا مخابره می‌کنند و ۹۰ درصد اخبار خارجی روزنامه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی، از این چهار منبع خبری تهیه و پخش می‌شود.<sup>۴</sup> که خوراک خبری بیشتر رسانه‌ها از این غولهای خبرگزاری است که به راحتی می‌توانند افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار دهند، به عقیدهٔ هاوس «خبرگزاریها به طور اخص بر خبرهای تألم‌انگیز و فاجعه‌آمیز جهان سوم تأکید ندارد؛ بلکه آنها تصویر مخدوشی از جهان سوم ارائه می‌دهند و برخورد آنها با جهان سوم برخورد قوم‌گرایانه بوده و صرفاً در جهت ارضای بازار خبری تحت سلطهٔ غرب است.»<sup>۵</sup>

بنابراین این هژمونی رسانه‌ای و خبری قدرتهای جهانی، توانسته است چالشی جدی در زمینهٔ امنیت ملی سایر کشورهای جهان؛ بخصوص کشورهای هدف؛ که تبعاً هم‌قدم و هم‌جهت با سیاستهای آنها نیستند، بشمار می‌آید. زیرا باید این واقعیت را پذیرفت که نقش و تأثیر بسزای بنگاههای اطلاع‌رسانی بر اذهان عمومی به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست، زیرا در بسیاری از مواقع این رسانه‌ها بوده‌اند که قیامی به راه انداخته، و یا از برخی رویدادها جلوگیری کرده‌اند.

به همین سبب، قدرت رسانه‌ها را به اندازه‌ای می‌دانند که قادر است در سرتاسر جهان، به عنوان مهمترین سلاح به کار گرفته شود.



## نقش اطلاع‌رسانی و ارتباطات در امنیت ملی

امنیت ملی به عنوان مفهومی تعمیم‌یافته به تمامی وجوه اجتماعی، دارای ابعاد فراتر از توان نظامی جهت حفاظت از مرزهای ملی است. تردیدی که قدرت نظامی برای حفظ استقلال ملی، یکی از مهمترین پایه‌های امنیت ملی بشمار می‌آید، اما از آنجا که حتی در کلی‌ترین تعاریف نیز، از امنیت ملی بمنزله «قدرت به حداقل رسانیدن هر نوع تهدید به منافع ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشورها» یاد می‌شود، لذا مؤلفه‌های جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در تحقیق این مفهوم معنا یافته است.

هم تهدید منافع ملی و هم‌ساز و کارهای مقابله با آن، مقوله‌هایی چند سببی و چند وجهی هستند که در یک فضا و زمان، دستخوش دگرگونی و تغییر مداوم و شتابان می‌شوند.

فرآیند پر شتاب ارتباطات جهانی که حاصل گسترش جابجائیهای انسانی و مسافرت، جهانگردی و توسعه کمی و کیفی رسانه‌های نوشتاری، پخش جهانی شبکه‌های رادیو و تلویزیونی و شبکه‌های ماهواره‌ای، جریانهای فرامرزی اطلاعات، همراه با تحول ابزاری و رواج بین‌المللی رسانه‌های کوچکی چون تلفن، رایانه، مودم، ویدیو، دستگاههای تکثیر و انتقال و مرتبط شدن آنها با یکدیگر است، چشم‌انداز گسترده‌ای از امنیت ملی، عوامل بقا و موانع آن ترسیم کرده است.

به یقین انقلاب ارتباطات، سهم بزرگی در پیدایش دورانی ایفا نموده که به درستی عصر «شتابندگی تاریخ» نامیده شده است.

اگر در این قرن برای فروپاشی امپراطوریهای عثمانی، اتریش، اسپانیا، پرتغال، فرانسه، انگلیس و آلمان دو جنگ جهانی لازم آمد، برای اضمحلال امپراطوری شوروی (سابق) حضور رسانه‌های جهانی، ویدیو، شبکه‌های کامپیوتری کافی بود؛ تا ساز و کارها و تغییرات اجتماعی از پیش مهیا شده را تشدید نمایند. در این فرآیند تغییر، آنچه که بسیار اهمیت دارد، حفظ و استحکام همبستگی و پیوستگی میان بخشهای مختلف جامعه است.

هیچ بخشی نسبت به بخشهای دیگر جامعه نباید دچار پس‌افتادگی یا پیش‌افتادگی شود؛ چرا که وقوع چنین امری عدم تعادل و بی‌ثباتی را در پی دارد و همین جریان، امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد. آنچه مسلم است ارتباطات و امنیت، رابطه‌ای



دوسویه، متقابل و جدایی‌ناپذیر از یکدیگر دارند. بنابراین، این تأمین امنیت در گرو تناسب نظام اطلاع‌رسانی و ارتباطی با نیازهای ملی و تهدیدهای بین‌المللی است. ارتباطات جمعی با دو چهره سازنده و ویرانگر خود در روند پاسخگویی به نیازهای ملی و تهدیدهای بین‌المللی ظاهر می‌شود. چهره ویرانگر آن «اکنون زده» کردن جامعه و به عبارتی؛ گسستن از گذشته و نیندیشیدن به آینده است. منفعل ساختن فکری و فرهنگی جامعه در زیر رگباری از اطلاعات و اخبار از هم گسیخته، تحریف واقعیتها، تولید بی‌امان رویا و گسترش شتابان ارزشهای چیره جهان صنعتی و مادی اندیش می‌باشد.

اما از چهره سازنده ارتباطات جمعی نیز نباید غفلت کرد. رسانه‌های جمعی در این گذار تاریخی در عین حال می‌توانند تأمل درباره زمان را بیاموزند و گذشته، حال و آینده را در مسیر تاریخی جامعه پیوند زنند و امکان ارتباط میان انسان، تاریخ و جهان را فراهم آورند. بدین ترتیب رسانه‌های جمعی در این زمانه برای امنیت استوار و همه جانبه نه تنها به عنوان «فرصت» تلقی می‌گردند؛ بلکه به مثابه «تهدید» نیز عمل می‌کنند؛ که هم «زمان» و «مکان» پیوند و پیوستگی بخشهای مختلف جامعه و بازشناسی و بازآفرینی تاریخ و ارتباط و مبادله با جهان را شتابی روزافزون داده‌اند و هم برای گسستگی بخشها، غفلت از گذشته و محاط شدن در چنبره نظام جهانی به مثابه محرکه‌ای قدرتمند معنا یافته‌اند. شرایط ویژه زمانی، جهانی و ملی، رویکردها و نگرشهای خلاقانه روز را طلب می‌کند؛ نگاهها و راه‌حلهایی که آثار و عوارض منفی و مثبت رسانه‌های جمعی را با یکدیگر مورد توجه قرار دهد.

### رسانه‌ها و وفاق ملی، عاملی در جهت تقویت امنیت ملی:

همبستگی و وفاق ملی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، از لوازم و نتایج قطعی و حتمی توسعه همه جانبه و امنیت ملی است. وفاق ملی که انسجام و همبستگی جامعه را پایدار می‌کند، پدیده‌ای فراتر از یگانگی و یکسانی است که بنیاد آن بر حضور و قبول ارزشهای مشترک قرار دارد؛ اما، به معنای مشابهت مکانیکی در اندیشه و عمل نیست. در مجموع، کار رسانه‌ها در حفظ و تحکیم وفاق ملی، چه به لحاظ سخت‌افزاری و چه به لحاظ نرم‌افزاری و بالا بردن توان انتخاب جامعه، افزایش مشارکت، رقابت و پویایی



شهروندان، درونی و نهادی کردن نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و معرفی ساز و کارهای حل و فصل تعارضها و چندگانگیهای فرهنگی و اجتماعی است.

در حقیقت رسانه‌های جمعی باید بتوانند به برقراری و استحکام رابطه میان تنوع و وحدت و یا تمایز و یکپارچگی مدد رسانند، تا وفاق ملی و در نهایت، «امنیت ملی» پایدار بماند.

بنابراین، به یاری همین رسانه‌ها می‌توان در جهت ارتقای سطح دانش، نگرش و رفتار اجتماعی و بازشناسی و باز تولید ارزشها و باورهای عمیق و استوار جامعه و نهادی کردن آنها، گامی جدی برداشت و کیفیت جدیدی از پیوستگیهای درونی و پویا را بوجود آورد.

رسانه‌ها قدرت آن را دارند که با تقویت همبستگی ملی و هماهنگی میان بخشهای مختلف اجتماعی در عین حفظ تفاوت‌ها، قدرت فهم و ادراک و تحمل و انتخاب فعال جامعه و در نهایت سطح و عمق «پایداری ملی» را بالا ببرند. از این رو ملاحظه می‌شود که فقدان یا ضعف رسانه‌های کارآمد، می‌تواند موجبات توسعه نیافتگی فرهنگی، از هم گسیختگی توسعه اجتماعی و در نهایت توسعه نیافتگی سیاسی را فراهم سازد. این مسئله، بویژه در شرایطی که جامعه در حال پویایی تاریخی است و تحولات عینی گوناگون است که تحت تأثیر عوامل جهانی و ملی، تغییر در محیط به انجام می‌رسد - اهمیت بیشتری می‌یابد. بطوریکه در جامعه ما به دلیل وجود برخی چند پارگی‌های اجتماعی، تاریخی، مذهبی، قومی و زبانی، و نیز شتاب رشد شهرنشینی و پیدایش جامعه نو و تحریکهای جمعیتی طبقاتی، صنفی، سیاسی و فرهنگ گسترده - که برآمده از انقلاب اسلامی و افزایش مشارکت و رقابت گروههای اجتماعی است - این موضوع اهمیت مضاعفی می‌یابد.

بدین ترتیب رسانه‌های جمعی به عنوان بخشی از دستگاهها و نهادهای سازنده همبستگیهای اجتماعی و نیز استوار کننده وفاق و امنیت ملی، می‌توانند کاربردهای مؤثری داشته باشند.

**نگاهی کلی به موقعیت اطلاع رسانی و ارتباطات جمعی در ایران:**

در گذار شتابان جامعه ما، رسانه‌های جمعی، چه در قالب ملی، و چه در ساخت





بین‌المللی، می‌توانند کارآیی و ناکارآمدیهای داشته باشند که در تقویت یا تضعیف پایه‌های امنیت ملی تجلی می‌یابد؛ این شرایط هم یک تهدید است و هم یک فرصت، زیرا برای اینکه بتوان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد، باید ضمن اتخاذ سیاستهای سنجیده، استراتژی لازم را نیز در این حوزه طراحی و تدوین نمود.

بطور کلی وضعیت رسانه‌ای کشور به صورت یک نظام به هم پیوسته، دارای بخشها و اجزای برابر نیست. با وجود پیشرفتهای چشمگیری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در روند رشد کمی و کیفی رسانه‌های جمعی حاصل شده است، هنوز نقاط ضعف بسیاری در نظام ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی کشور وجود دارد.

در این میان آسیب پذیرترین بخش رسانه‌ای در جامعه ما، بخش رسانه‌های نوشتاری است. این بخش، از سویی به لحاظ پایداری و پیوستگی آن و از سوی دیگر به دلیل پیشینه و زمینه تاریخی، باید به جد در برنامه‌های توسعه کشور مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که به لحاظ فرهنگی، یکی از حلقه‌های تهدید کننده امنیت ملی است.

رسانه‌های الکترونیک به لحاظ آماری، در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارند، رادیو و تلویزیون گسترش کمی و کیفی چشمگیری در مقایسه با کشورهای مشابه داشته‌اند و سینمای ایرانی به صورت سینمایی خلاق، مولد و صاحب سبک فعالیت می‌کند.

مهمترین پدیده‌ای که به صورت مؤلفه‌ای قابل توجه در چارچوب امنیت ملی در آمده است، رشد شبکه‌ها و رسانه‌های ارتباطی فرا ملی است. خطرناک‌ترین پیامد این حادثه، تضعیف روابط فرهنگی و اجتماعی درونی و ایجاد روابط جدیدی در بیرون از مرزهاست. رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی فرا ملی می‌توانند با برنامه‌ها و پیامهای خود وابستگی تازه‌ای را برای مخاطبان خویش بوجود آورند که زمینه ساز بحران‌های اخلاقی، هویتی، فرهنگی و اجتماعی است.

چنانچه این رسانه‌ها بتوانند اعتماد و علاقه عمومی را جلب کنند، تهدیدی جدی در زمینه امنیت ملی محسوب می‌گردند. اما در عین حال نباید از این قابلیت نیز غافل شد که با اتخاذ سیاستهای سنجیده و فعال، می‌توان از فرصت انتقال و مبادله اطلاعات و فرهنگ نیز بخوبی بهره برد.<sup>۶</sup>

## پی‌نوشت‌ها:

۱. شبکه خبری Fox News، پنجم آوریل ۲۰۰۳.
۲. حسن زورق، مبنای تبلیغ، (تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲۵۲
۳. همان، ص ۲۱۵
۴. حمید مولانا، زبان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱)، ص ۴۱
۵. آنتوان اسمیت، ژئوپولیتیک اطلاعات یا شیوه‌های سلطه‌جویی فرهنگی استعمار در جهان از طریق رسانه‌ها، ترجمه فریدون شروانی، (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۴)، ص ۸۷
۶. هادی خانیکی، برگ فرهنگ، نشریه فرهنگی دانشجویی دانشگاه تهران، شماره هفتم (زمستان ۱۳۷۹): صص ۱۱ و ۵ و ۴ و ۳

## کتابنامه:

۱. شبکه خبری «Fox News»، پنجم آوریل ۲۰۰۳.
۲. زورق حسن. مبنای تبلیغ، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸).
۳. دکتر مولانا، حمید. زبان بین‌المللی اطلاعات گزارش و تحلیل جهانی، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱).
۴. اسمیت. آنتوان. ژئوپولیتیک اطلاعات یا شیوه‌های سلطه‌جویی فرهنگی استعمار در جهان از طریق رسانه‌ها، ترجمه فریدون شروانی، (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۴).
۵. خانیکی، هادی. «برگ فرهنگ: نشریه فرهنگی دانشجویی دانشگاه تهران». شماره هفتم، زمستان ۱۳۷۹.

پرتال جامع علوم انسانی

